

شنبه • ۱۷ آبان ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۵۶ • ۷

شرق روزنامه

سیاست

باقری: سیاست‌های دولت در نشاط سیاسی موثر است	صفحه ۸
باقری سیاست‌های دولت در نشاط سیاسی موثر است	صفحه ۸
روزنامه	صفحه ۱۰

طلیعه	
انتظار فر آینده پیر امون «سیاست داخلی»	
‏‏ جواد اطاعت استاد دانشگاه و فعال سیاسی	

دولت‌یازدهم و آقای روحانی از امتیازات قابل‌توجهی برخوردار هستند که حمایت‌نخبگان فکری، اجرایی و سیاسی را با خود دارد. رئیس‌جمهور از تجرب بالای برخوردار است و سیاست و حکومت را به‌خوبی می‌شناسد و قدرت‌چانه‌زنی بالایی دارد.

به‌علت‌تخصیصات در غرب علاوه بر ایران، دنیای غرب را نیز می‌شناسد و فردی عملگراست، اما آنچه در این یکسال وچندماه گذشته خود را نشان داد و البته علاوه بر نخبگان، بسیاری از احاد جامعه هم از آن بی‌اطلاع نبودند، عمق مشکلات بود و همان‌طور که ایشان در چندنویت گفته، مشکلات کشور فراتر از آن چیزی است که خیلی‌ها تصویری کردند.

چه در حوزه سیاست خارجی و چه در حوزه داخلی، به‌ویژه مشکلات اقتصادی که علاوه بر مسایل داخلی از جمله افزایش نقدینگی، فضای کسب‌و کار، تورم، بیکاری و حتی پرداخت پارانه نقدی و حاشیه‌های قابل‌توجه آن، شرایط خاصی پدید آمده است. در این شرایط، حساسیت نسبت به عملکرد دولت در حوزه سیاست داخلی که بخش عمده‌ای از آن در حوزه عملکرد مجموعه وزارت کشور قابل پیگیری است، شرایط را متفاوت کرده است.

مسئله‌ای در فرهنگ سیاسی ایران به‌صورت نهادینه‌شده‌ای وجود دارد و آن انتظارات بالا از دولت روحانی است که اگر در کوتاهمدت امکان تحقق این انتظارات نباشد، این موضوع ممکن است باعث سرخوردگی شود. مشابه آن را در مشروطه، در ملی‌شدن صنعت نفت و در دوره اصلاحات دیده‌ایم.

ایرانیان انتظار دارند در کوتاهمدت مشکلات درم‌زمت آنها حل‌وفصل شود و چون چنین چیزی عملی نیست، باعث ایجاد دلسردی و سرخوردگی می‌شود. ایرانیان باید بدانند فرآیند توسعه، فرآیندی بطئی و کند و نیازمند استقامت، پایداری و تداوم است. با شرایط پدیدآمده در هشت‌سال از دولت گذشته، نباید انتظار داشت یک‌دولت ظرف چهار یا هشت‌سال بتواند کشور در حال توسعه‌ای که ده‌هامشکل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی دارد را تبدیل به کشوری توسعه‌یافته‌کند، بنابراین این انتظارات غیرواقع‌بینانه است و این نگرانی را ایجاد می‌کند. مردم ما باید با تنگناهای دولت آشنا باشند و در حد مقدرات از دولت منتخب خویش انتظار داشته باشند.

مطالبات نیز در بدنه حامی دولت، امری طبیعی است. تردیدی وجود ندارد اصلاح‌طلبان از اتفاقی که در عرصه سیاسی کشور رخ داده، خرسندند و تلاش می‌کنند انتظارات از دولت را واقعی کنند و انتظار معجزه نداشته باشند. درعین حال، اصلاح‌طلبان در عین پشتیبانی و حمایت از روحانی باید استقلال خود را حفظ کنند و با شناخت دقیق از گفتمان روحانی باید انتظارات خود را معقول و منطقی کنند. به‌رحال، این انتخبات (و اغلب ادوار انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران) بر مبنای شکاف، طرقداران وضع موجود، مخالفان وضع موجود، قابل تحلیل است. در چنین شرایطی، طبیعتاًبین مخالفان وضع موجود – گرچه گرایش‌های فکری متفاوتی داشته باشند- «اتحادی طبیعی» به‌وجود می‌آید یعنی لزومی ندارد پیش‌نویسی رسمی بین نیروهای مختلف سیاسی نوشته و امضا شود و بر مبنای آن اتحادی صورت گیرد.

رئیس‌جمهوری بر «گفتمان اعتدال» تأکید دارد و این مساله در حوزه سیاست داخلی هم مدنظر ایشان قرار است. از دامنظر می‌توانیم به این موضوع نگاه کنیم: نخست از منظر فکری و فلسفی و دوم از منظر سیاسی و عملگرایانه. از نظر فکری و فلسفی گفتمان اعتدال می‌تواند برآیندی از آزادی و عدالت باشد. همان‌گونه که می‌دانیم، در سده‌بسیتم دوگفتمان آزادی و عدالت یکی در غرب و دیگری در شرق مقابل با صفرآیندی را محافظه‌کاری و اصلاح‌طلبی است.

نتیجه آن شد که در غرب از جمله آمریکا تأکید بر آزادی با توجه کمتری به عدالت باعث شکاف طبقاتی و بحران‌های ادواری اقتصادی شد و تأکید بلوک شرق (از جمله شوروی و اروپای شرقی) بر بحث عدالت اجتماعی منآثر از مارکسیسم آزادی را به محاق برد و باعث ایجاد یک نظم فکری توانمندتر در دوره مدرن شد. در دهه‌های اخیر منآثر از نظریات کسانی چون جان راولز عنوان می‌شود عدالت و آزادی نه‌تنها در تقابل با یکدیگر نیستند، بلکه عدالت بدون آزادی و آزادی بدون عدالت نمی‌تواند خوشبختی انسان‌ها را تأمین و تضمین کند. به عبارتی رابطه بین آزادی و عدالت نه‌تنها همبستگی مکانیکال، بلکه دارای پیوستگی ارگانیکال است یا به تعبیری آزادی و عدالت حتی دو روی یک‌سکه نیست، بلکه آلیاژهای تشکیل‌دهنده یک‌سکه هستند.

باز این تعریف از عدالت عین عدالت و عدالت عین آزادی است؛ برای مثال اگر شما حق دارید برای بیان و نشر افکار خود حزب و روزنامه داشته باشید، عدالت حکم می‌کند این حق را برای دیگری نیز قابل شوید. این عین آزادی است. حال اگر از منظر فکری و فلسفی خارج شویم، این گفتمان از نظر سیاسی نیز قابل توضیح است و می‌توانیم توضیح دهیم و آن اینکه گفتمان اعتدال همان‌گونه که اشاره شد، برآیندی از محافظه‌کاری و اصلاح‌طلبی است.

در عین حال که نه محافظه‌کاری و نه اصلاح‌طلبی است. به اعتباری این گفتمان می‌خواهد با نفی افراط و تفریط، میانه‌روی را در فضای سیاسی ایران ساری و جاری کند. به‌نظر می‌رسد دولت همچنان در تلاش برای ارایه مدلی نزدیک به این رویکرد، در عرصه سیاست داخلی است.

سیاست‌های اعلامی سیاست‌های اعمالی

‏‏ حامد طیبی 	
--	--

«پاستور» در ماه رمضان گذشته، مقصد فعالان سیاسی دوقطب اصلی و ماندگار سیاسی کشور بود. گویی حسن روحانی تلاش می‌کرد پس از ورود به پاستور به شعارهای سیاسی انتخاباتی خود، جامه‌عمل ببوشاند. روی کارآمدن دولت یازدهم علاوه بر توانایی‌های ذاتی کاندیدای پیروز انتخابات ۲۴خرداد۹۲، حاصل اجماع و همگرایی همه طیف‌های درون اردوگاه اصلاح‌طلبان و جریان «میانه» بود. اصولگرایان سنتی نیز اگرچه با داشتن کاندیداهای اختصاصی مانند علی‌اکبر ولایتی و تا حدی محسن رضایی، امکان همراهی با روحانی را نداشت، اما پس از اعلام نتایج، شادی خود را از پیروزی این شیخ میانه‌رو پنهان نکردند. آنها در قیاس وی و برخی چهره‌هایی که توسط تندروها حمایت می‌شدند، روحانی «شناسنامه‌دار» را ترجیح می‌دادند هرچند وی در طول این سال‌ها با وجود عضویت در جامعه روحانیت مبارز، در پارامی موارد با جهت‌گیری‌های اصلاح‌طلبان همسو شده باشد. موضع‌گیری‌های پیربر سابق شورایعالی امنیت ملی در ایام انتخابات، پشتیبانی آیت‌الله‌عاشمی‌رفسنجانی و حضور چهره‌های نزدیک به این چهره باسابقه سیاسی در ستاد انتخاباتی او، همراهی اصلاح‌طلبان و راس این جریان باسابقه یعنی سیدمحمدخامنی در توجیه بدنه قابل‌توجه هواداران اصلاحات در جامعه و تأکید روحانی بر شنیدن دغدغه‌های سیاسی و فرهنگی نخبگان در کنار گردش چرخ‌های اقتصادی و زندگی مردم برای احاد جامعه، آب‌شدن یخ فضای سیاسی را نیز نود می‌د؛ اینکه فقطوقف‌قرار نیست حوزه بسیار بااهمیت دیپلماسی و بخش حیاتی و توسعه بخش اقتصاد، مدنظر رئیس دولت یازدهم باشد. فعالان سیاسی در ناپسمانی اقتصاد و سیاست خارجی در دولت‌های نهم و دهم در الزام رسیدگی سریع به وضعیت خاورواهی که زیر فشار تورم قرار گرفته بودند، تردید نداشتند اما نیک می‌دانستند تثبیت امر مدیریت کلان از کردبور سیاست و سیاست‌ورزی می‌گذرد. اقتصاد، دیپلماسی، فرهنگ و زدودن آسیب‌های اجتماعی، همه و همه مزاجه روح خواهند نشست و تمشیت گردش آزاد نخبگان است و این مهم را جامعه در هشت‌سال دولت احمدی‌نژاد به‌خوبی احساس کرده، اینکه نباید نسبت به امر سیاست بی‌تفاوت باشد وگرنه نیروهای خلق‌الساعه ناگهان بر مسند امور خواهند نشست و تمشیت امور و زندگی مردم را به دست خواهند گرفت. از دیگرسو، بدنه رای دولت که شاهد شعار و برنامه روحانی در انتخابات بود همچنان پیگیر آن شعارها و مطالبات خودش است. فعالیت ۱۵ ماهه دولت یازدهم، نوع انتخاب وزرای که باسیاست، نسبت تمسقی‌تری داشتند – مانند وزارت کشور- و توجه مضاعف به سیاست خارجی و اقتصاد، این نگرانی را پدید آورده که روحانی نسبت به «وعده‌های سیاسی داده‌شده در انتخابات، تا حدودی با «افاصله» حرکت می‌کند اگرچه در کمیزان «اختیار» قوه مجریه و علاقه‌منددی تندروها به تداوم فضای سابق نیز در همین نیروهای عمدتا جوان وجود دارد.

ادامه در صفحه ۹	
------------------------	--



اولویت حسن روحانی و دولت یازدهم، چه زمانی به «امر سیاست» می‌رسد؟

مورد عجیب «سیاست داخلی»

دیدارهای سیاسی

زمستان سال ۹۲ پس از اولین نشست رحمانی فضلی، وزیر کشور با دبیران کل و نیروهای شاخص احزاب سیاسی، وی وعده داد به‌زودی آنها با رئیس‌جمهور هم دیدار خواهند کرد. روحانی اما در ماه رمضان امسال با هر دو طیف اصلاح‌طلب و اصولگرا جلساتی را برگزار کرد. دوازدهم تیر رئیس‌جمهور در دیدار دوستانه با تعدادی از چهره‌های اصولگرا با تأکید بر اینکه همه باید برای حل و فصل مشکلاتی که کشور و نظام را در معرض آسیب قرار می‌دهد دست به دست هم دهیم، اظهار کرد: همه گروه‌ها، جناح‌ها و همه ملت از مناهب و اقوام گوناگون باید زیر چتر واحد در حل مشکلات و رویارویی با مخاطرات و معضلات در کنار هم قرار گیرند و همه ما باید تلاش کنیم تا از انشقاق و شکاف‌های اجتماعی در حوزه‌هایی نظیر قومیت، مذهب، جناح‌بندی‌های یکاهیم. نباید دشمنان بزرگ داخلی نظیر رکود تورمی، فساد اداری و بیکاری را از ذهن دور نگه داریم؛ زیرا این دشمنان زندگی مردم را تحت فشار قرار داده و منجر به گسترش آسیب‌های اجتماعی می‌شوند که هیچ جناحی را نمی‌شناسد. حداد عادل، حجت‌الاسلام ابوترابی فردی، لاله افتخاری، محمدنبی حبیبی، حسین فدایی و حجت‌الاسلام سبحانی‌نیا از چهره‌های اصولگرایی بودند که در این دیدار سخن گفتند. چهارشنبه هجدهم تیر نوبت به اصلاح‌طلبان رسید تا به دیدار رئیس‌جمهور بروند. روحانی در این دیدار با بیان اینکه اگر رقابت سیاسی نباشد، نشاط سیاسی و مشارکت و حضور فعال مردم از بین می‌رود و پیشرفتی حاصل نمی‌شود، به این موارد اشاره کرد: «دو جناح سیاسی کشور باید نتوانند در رقابتی سالم، شُور و نشاط سیاسی و امید به حل مشکلات را به جامعه عرضه کنند. اینکه عده‌ای بدون رعایت ملاحظات شرعی و اخلاقی به تخریب چهره‌های خدوم انقلاب می‌پردازند، تاسف‌آور است. این چهره‌ها به هیچ‌یک از جناح‌های کشور تعلق ندارند، بلکه متعلق به کل انقلاب و نظام هستند و نباید به‌راحتی به سرمایه‌های بزرگ انقلاب تهمت زد. با خداوند عهد بسته‌ام که بر خواست و مطالبه مردمی که در انتخابات شور و شوق آفریدند، پافشاری کنم.

‏‏ اگر وزارت کشور به‌عنوان برآیند فعالیت سیاسی دولت در نظر گرفته شود، چیش مسوولیت‌ها در آن، نشان‌دهنده جهت‌گیری‌های کلان است. وقتی سیدکاظم میرولد راهی معاونت سیاسی شد، می‌شد حدس زد که دولت تلاش کرده چهره‌ای که حداقل نزدیک به اصولگرایان نیست را در پی بخش به کار بگیرد. نوع انتخاب استانداران اگرچه انتقاداتی را در پی داشت، اما در مجموع، رضایتبخش قرار بود تا مقطع انتخاب استانداران از خدمت آقای رحمانی فضلی باشم که اینگونه به این میان بی تأثیر نبوده است، اما فرمانداران و بخشداران احمدی‌نژاد تا مدت زیادی بر سر کار باقی ماندند یا همچنان باقی هستند در این میان جدایی میرولد از دولت آن هم پیش از جشن یکسالگی، سوالات بسیاری را برانگیخت. خردامه‌ها بود که خبر رفتن میرولد از معاونت سیاسی، منتشر شد. معاون سیاسی پیشین وزارت کشور در واکنش به خبر اختلاف با رحمانی فضلی که وزیری با گرایش اصولگرایی است، گفت: «از همان اول هم برای یک دوره موقت به وزارت کشور آمده بودم و اینگونه هم شد و از این بهبعد در کارهای توسعه‌ای به وزارت کشور کمک خواهم کرد. سرنوشت ما مانند سرنوشت سربازان انقلاب است که ابتدای انقلاب و تا آخر همراه و همیار هستند و من هم این شرایط را در خود می‌بینم و هیچ‌گاه از سربازان انقلاب و خدمت به کشور جدا نمی‌شوم. آقای رحمانی فضلی بنده را به‌دلیل سوابق دوستی دعوت به همکاری کردند و قرار شد در معاونت سیاسی خدمتشان باشم. قرار بود تا مقطع انتخاب استانداران در خدمت آقای رحمانی فضلی باشم که اینگونه هم شد.» از خردامه‌ها تا به امروز در نیمه آبان ۹۳، این معاونت همچنان بدون رئیس است. این در حالی است که اوایل آبان‌ماه جاری خبر انتصاب محمدامین رضازاده با حکم وزیر کشور به‌عنوان مدیر کل سیاسی این وزارتخانه منتشر شد. او که سابقه سیاسی‌ای در کارنامه ندارد، در حالی بر صندلی مدیر کل نشست که سمت بالادستی او یعنی معاون سیاسی، همچنان خالی است. برخی بر این باورند که احتمالاً این معاون هم مشخص شده و انتخاب رضازاده با هماهنگی با وی صورت گرفته و نشانه‌ای بوده که افکار عمومی و رسانه‌ها، چهره‌ای شبیه این مدیر کل را برای معاونت سیاسی نیز تصور کنند. یکی دیگر از موضوعات مورد بحث در طول یکسال اخیر، عادی‌شدن فعالیت خانه احزاب بوده است. فعالیت خانه احزاب نیز عملاً با تصمیم دولت احمدی‌نژاد متوقف شد. به‌دلیل حضور پررنگ‌تر اصلاح‌طلبان در این نهاد، اصولگرایان در آن زمان از چنین اقدامی یا دفاع کردند یا با سکوت خود، حمایتشان را از آن تصمیم نشان دادند و طیفی از اصولگرایان همچنان بر این مهم پافشاری می‌کنند. عادی‌شدن فعالیت این باشگاه حزبی به همین سادگی‌ها هم پیش نرفت. ابتدا وزارت کشور اعلام کرد چون خانه احزاب باید مستقل از دولت باشد، در امور آن دخالتی نمی‌کند و این، احزاب هستند که باید برای بازگشایی خانه احزاب اقدام کنند اما در عین حال وزیر کشور تأکید کرد به‌دلیل نقش وزارتخانه تحت امرش در زمینه احزاب، به روند این گشایش کمک می‌کند. با وجود تحرک اولیه برای آغاز جدی‌تر فعالیت خانه احزاب که با تشکیل یک کمیته مرکب از برخی چهره‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب صورت گرفت، همچنان در نبود متولی این حوزه یعنی معاون سیاسی، وضعیت این نهاد صنفی مشخص نیست. باید منتظر ماند و دید در یک‌ساله که تا انتخابات سرنوشت‌ساز مجلس دهم فرصت باقی است، استراتژی گام‌به‌گام و توام با صبر حسن روحانی در حوزه وزارت کشور و سیاست داخلی، فضا را به چه سمتی خواهد برد؟ آیا رئیس‌جمهور پس از فراغت از مذاکرات اقتصادی و ساماندهی بیشتر به حوزه‌های اقتصاد و فرهنگ، به‌سرغ سیاست داخلی هم خواهد رفت؟	
---	--

حسین سخندان: دولت یازدهم همچنان پیرامون استراتژی و نوع عملکرد در حوزه «سیاست داخلی»، با سوالاتی مواجه است. اگرچه در هنگام انتخابات ریاست‌جمهوری و پس از آن، تأکید حسن روحانی و حامیان وی، اولویت‌بندی مسایل و رسیدگی عاجل به سیاست خارجی و اقتصاد به شکل پررنگ بود اما همان روزها هم روحانی می‌دانست باید برای مسایل سیاست داخلی، فکری بکند. این جمله بارها شنیده شده که سیاست خارجی، برآیند سیاست داخلی است و نمی‌توان این بخش‌ها را منفک از یکدیگر دانست. کلیت عملکرد و مواضع سیاسی دولت حتی در وزارتخانه‌های غیرسیاسی، نشان‌دهنده جهت‌گیری دستگاه اجرایی و نوع پیاده‌سازی افکار رئیس‌جمهور است اما به‌طور خاص‌تر، این وزارت کشور است که با توجه به دارا بودن معاونت و مدیر کل سیاسی، مدیر کل انتخابات و انتصاب استانداران، فرمانداران و بخشداران که هر یک دارای اهمیت زیادی است. این وزارتخانه همین وزارتخانه محقق دارای معاونت سیاسی نیز هستند، ویتربن عملکرد سیاسی دولت به حساب می‌آید. رئیس‌جمهور در این‌باره معتقد است: «وزارت کشور یک وزارت مادر است و برنامه‌ریزی و به یک بیان به دست مدیران همین وزارتخانه محقق و استانداران به‌عنوان یک مدیر معمولی در یک استان نیستند، بلکه استانداران نمایندگان عالی سیاسی نظام جمهوری اسلامی در استان هستند. استانداران به‌عنوان نمایندگان هستند که مسوولیت امنیتی، اجتماعی، اقتصادی، عمرانی و اداری در سطح استان را برعهده دارند. وزیر کشور یک‌تنه بار بسیار سنگینی را در کشور بر دوش دارد. اگر تغییر کنیم که مشروعیت سیاسی نظام از طریق تلاش و برنامه‌ریزی و به یک بیان به دست مدیران همین وزارتخانه محقق می‌شود، سخنی به گراف نگفته‌ایم. این مسوولیت (مشروعیت سیاسی‌دانن به آرای مستقیم و غیرمستقیم مردم) سنگین بر دوش این وزارتخانه است که بتواند اعتماد مردم را جلب کند تا پای صندوق‌های رای بیایند و اعتماد کنند که این وزارتخانه امتداد واقعی است و به قانون و مقررات به دقت عمل کرده است؛ البته هرچقدر شفافیت بیشتر باشد، این اعتماد نیز بیشتر خواهد بود. افزایش اعتماد عمومی به معنای افزایش سرمایه اجتماعی که وظیفه همگانی برای همه ما به‌ویژه برای وزارت کشور است. وزارت کشور همان وزارتخانه‌ای است که مسوولیت دارد حقوق شهروندی را در سراسر کشور به‌صورت یکسان و برای همه ایرانیان به اجرا در بیاورد و باید این احساس در بین مردم وجود داشته باشد. احساس تساوی، عدالت و فرصت برابر برای همه مردم به وجود آید. معمولاً در کار گروه‌هایی که برای تعیین وزرا ایجاد شده بود، برای وزارت کشور کسانی را پیشنهاد می‌دادند که بیشتر سوابق نظامی و امنیتی داشتند، شاید حق داشتند؛ چراکه یکی از وظایف مهم وزارت کشور، ایجاد امنیت داخلی است.» با این حال به نظر می‌رسد روحانی برای تبیین سیاست داخلی خود، خیلی روی وزرات کشور اصرار ندارد و تلاش می‌کند خودش به تنهایی، بار این حوزه حساس را بر دوش بکشد. او در نخستین برنامه تبلیغاتی انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم در گفتوگوی خبری شبکه دو، کمی جزئی‌تر به این مساله پرداخته بود: «خیلی من از واژه فرا جناحی خوشم می‌آید و دوست دارم، چون معتقدم با یک جناح نمی‌شود کشور را اداره کرد. یک وقت‌هایی بود دوستان ما در مجلس غیرمجلس و سیاسیون می‌گفتند اگر روزی دولت و مجلس و قوه قضاییه همه یک خط بشوند چی میشد؟ از آن بالاتر نفت هم اگر یک خرده گران بشود دیکه چه خواهد شد، واقعا فکرها این بود، می‌گفتند هماهنگی بیشتر می‌شود، پول نفت هم که هست دنیا گلستان خواهد شد اما ما دیدیم، نشد. ما دیدیم با یک جناح نمی‌شود کشور را اداره کرد. ما دیدیم که همه سرمایه ملی هستند مردم ما خوب می‌دانند همه اینهایی که تو دانشگاه درس خواندند سرمایه ملی ما هستند. فرقی نمی‌کند این جناح آن جناح، این فکر آن فکر، راست، چپ اما برای مسوولیت باید آدم متدین و دلسوز، کسی که قانون اساسی را قبول دارد، کسی که برای این کشور دلش می‌سوزد، کسی که می‌خواهد کشور ایران به جایی برسد که اگر کسی سفر کرد به‌جای دیگه افسوس نخورد بگه باز هم ایران، باز هم خیابان ایران، باز هم فرودگاه ایران، باز هم فروشگاه ایران، باز هم اخلاق ایرانی، فرا جناحی باید کار بکنیم، چرا نمی‌ای در سرمایه مردم را کنار بگذاریم، کی به ما اجازه داده اتوبوسی بیایند اتوبوسی بروند اما من با افراط میانه خوبی ندارم، با افراط‌گری اصلاً میانه ندارم. معتقدم آنهایی که در مسیر افراط بودند حالا ولو اینکه حسن نیت هم داشتند عملاً به کشور خدمت نکردند.» حسن روحانی همچنین پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری وعده داده بود که مایل است دولت تدبیر و امید یادآورنده دولت سازندگی و اصلاحات باشد: «ما از افراط‌گری و همدسری به دور هستیم، اعتدالگرایان و اصلاح‌طلبان اهل شک و تردید در قدرت کنونی ایران نیستند و نسبت به حقانیت انقلاب، توانمندی مردم، صلابت رهبری و صحت خط امام تردید ندارند اما نسبت به مدیرانی که یک شبه می‌خواهند ره یک‌ساله بیایم‌ند تردید دارند.» او پس از پیروزی در انتخابات هم در دیدارهای جداگانه‌ای با آیت‌الله‌عاشمی‌رفسنجانی و سیدمحمد خاتمی تأکید کرده بود از نظرات آنان در دولت بهره خواهد گرفت و این را در پیام تشکر از ملت ایران نیز مورد اشاره قرار داد.